



نگاهی به ارزش‌های ادبی و تاریخی (یاد باد آن روزگاران)

نامه‌ها که تاریخند



حفیظ شریعتی (سحر)

چکیده

یاد باد آن روزگاران، مجموعه‌نامه‌هایی‌اند که و اصف باختری به فخری نوشته است. این نامه‌ها، نامه‌های شخصی و اخوانیات‌اند که اکنون تبدیل به تاریخ ادبی و نثر معاصر ما شده‌اند. در این نامه‌ها، باختری گاهی از خود گفته است و گاهی از روزگار و آوارگی شکوه کرده است. برخی از نامه‌ها گفتگوی شخصی‌اند و برخی دیگر نقد ادبی‌اند که در ضمن نامه‌نگاری به آن‌ها اشاره کرده است. این نامه‌ها اکنون جزء میراث ادبی ما به‌شمار می‌روند و می‌توان از زاویه‌های گوناگونی به ارزش‌های ادبی و هنری آن‌ها نگریست.

در این نوشته تلاش شده است، ضمن نیم‌نگاهی به گذشته‌ای تاریخی نامه‌نگاری در زبان پارسی به ارزش‌های ادبی و تاریخی این نامه‌ها نگریسته شود. واژگان کلیدی: نامه‌نگاری، اخوانیات، ادبیات شفاهی، ترسل، ارتباطات، مکاتیب، منشآت، دبیر، دیوان رسالت، نامه.

مقدمه

نامه‌های واصف باختری ما را به یاد سالیان دیر و دوری می‌اندازد که روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و گاهی سال‌ها منتظری دوستی، مسافری و یا صدای زنگ یا تک و تک دری بودیم که نامه‌عزیزی را با دست و دلی لرزان از نامه‌بر تحویل بگیریم؛ اما امروز پیشرفت علم و تکنولوژی مانند تلفن، اسکایپ، فضای مجازی پیام‌نگارها (میل) و رخ‌نما (فیس بوک) فاصله‌ها را کم کرده‌اند و ما دیگر چشم به راه نامه‌برها نیستیم که دل از دل‌خانه‌مان خالی کنند. در ضمن شیدایی و مشتاقی رسیدن و خواندن نامه‌ها را نیز از دست داده‌ایم. در گذشته‌ای نه چندان دور، نامه، تنها وسیله ارتباطی خانواده‌های از هم جدا افتاده بود. این نامه‌ها تنها راهی بودند که آدم‌ها می‌توانستند از غم و اندوه، عشق، علاقه و اتفاقات زندگی هم‌باخبر شوند.

باری، نامه‌نگاری‌های نو آرام آرام گذشته‌ها و دل‌بستگی‌های مان را از ما گرفتند. در گذشته با نامه‌نگاری خط‌خوش فرا می‌گرفتیم، خط هر انسان نشان‌دهنده شخصیت و میزان سواد او بود. امروز که نامه‌دستی نمی‌نویسیم، نه دست‌خط افراد شناسایی می‌شود و نه خط‌خوش و نوشتن ارزش گذشته را دارند. از این رو است که دیگر کسی برای نوشتن، دلش هوای کاغذ و قلم نمی‌کند و گویا شوق نوشتن از سر ما پریده است. به همین جهت، این نامه‌ها و کتاب (یاد‌باد آن روزگاران) اهمیت پیدا می‌کنند.

نامه‌نگاری یا ترسل

نامه‌نگاری یا ترسل در میان گونه‌های مختلف نثر ادبی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ترسل یا نامه‌نگاری در گذشته هم به نثر و هم به نظم و گاه در آمیخته‌ای از نظم و نثر در تاریخ زبان فارسی دیده شده است. لغت‌شناسان، در معنای ترسل گفته‌اند: «نوشتن نامه و رساله و آگاهی از روش‌های دیوانی در این باره» (انوری، ۱۳۸۱: جلد سوم، ۱۲۶۷). منشآت نیز در همین حوزه معنایی قرار دارد. به معنای «مکاتیب / رسایل / نامه‌ها، جمع منشاء، از ریشه انشاء به معنی نویسندگی و سخن‌پردازی، در اصطلاح دیوانی، آن‌چه منشیان در قالب پیش‌نویس‌ها و دستورکارها می‌نگاشتند...» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۲۸۷).

بنابراین، بخش مهمی از کتاب‌های ادبی، تاریخی و حتی عرفانی، کلامی و علمی، در تاریخ فرهنگ ادبی خراسانیان را، نامه‌ها و ترسلات تشکیل می‌دهد. در این کتاب‌ها در بیشتر موضوعات: هنرها و علوم می‌توان نمونه‌هایی یافت. از جمله: مکاتیب فارسی غزالی، المختارات من الرسائل، التوسل الی الترسل، ادب الکاتب، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، منشآت خاقانی، نامه‌های رشیدالدین وطواط، مکاتیب سنایی، مکتوبات مولانا جلال‌الدین، مکاتیب عبدالله قطب شیرازی، منشآت فرهاد میرزا، لطائف الانشاء، صحیفه‌الاخلاص، بدایع الانشاء، ارشاد الطالبین، ترسل منصور و... در پسین روزگار ما، منشآت قائم‌مقام فراهانی که نیکوترین نامه‌ها را نوشته است. شهرت ادبی قائم‌مقام، یک‌سره مدیون نامه‌های او است. این کتاب در سال ۱۲۸۰ هـ.ق، در تهران به صورت چاپ‌سنگی منتشر شده است. نمونه‌ای از منشآت قائم‌مقام چنین است:

«باد آمد و بوی عنبر آورد

بادام شکوفه بر سر آورد.

نامه نامی که نافه مشک‌تر و نسخه خط دلبر بود، در بهترین وقتی و خوش‌ترین وجهی رسید و ساحت خاطر را رشک باغ بهشت و موسم

اردیبهشت ساخت. مهجور مشتاق را حالتی غریب پدید آمد که جان در گلشن عشرت داشت و دل در آتش حسرت. گاه از دیدن خط مکتوب منتعش و گاه از ندیدن روی مطلوب مشتعل و...» (یغمایی، ۱۳۶۶: ۱۵۴).

پیشینه نامه‌نگاری در زبان پارسی

در گذشته پارسی‌زبانان واژه‌ها را با خط‌میخی روی پوست دباغی‌شده جانوران می‌نوشتند، سپس پوست را به دست چاپار یا پیک می‌دادند تا به مقصد برسانند. پسین‌ها از سال ۱۸۰۰ میلادی که کاغذ توسط چینی‌ها ساخته شد، نامه‌نگاری آسان‌تر شد. این نامه‌ها به یقین برای برون‌داد عواطف و احساسات نوشته نمی‌شدند؛ بلکه بیشتر کاربرد اداری و رسمی داشتند.

ابن عبدربه در کتاب «العقد» از امثله و عهود و سیر فرس و مکاتیب پارسی نام می‌برد؛ ابن قتیبه در «عیون الاخبار» بلاغت کتاب و مکاتیب ایران پیش از اسلام را مهم‌ترین منابع خود به شمار می‌آورد؛ مسعودی در «مروج الذهب» و «التبیه و الاشراف»، رسایل و ترسلات و مکاتیب فارسی را مانند اخبار، سیر و عهود و توقیعات، وصایا و خطب پادشاهان پارسی زبان هنگام بر تخت نشستن با اهمیت می‌داند؛ جهش‌یاری نیز در کتاب «الوزرای و الکتاب» به آثار زیادی از نامه‌های پادشاهان ایرانی به کارگزاران‌شان را نقل می‌کند که از نظر شیوه نگارش در سطح بالایی قرار داشته‌اند (دانش‌پژوه، ۱۳۷۷: ۱۷).

در کتاب «التاج» که ابن مقفع آن را از پهلوی به عربی ترجمه کرده است، نامه‌های زیادی دیده می‌شوند؛ به طور نمونه در یکی از فصل‌های آن که درباره نامه‌های زبان پهلوی است، به نامه‌های زیر اشاره شده است: پاسخ بزرگ‌مهر به انوشیروان، قسمتی از نامه‌شاپور اول خطاب به یکی از کارگزاران خود، قسمتی از فتح‌نامه بهرام‌گور پس از شکست خاقان، قسمتی از مکتوب انوشیروان به فادوسبان در آذربایجان، عهد قباد به خسرو انوشیروان، نامه پرویز به شیرویه در پند و اندرز و پاسخ او، قسمتی از نامه جاماسب به گشتاسب در منع او از پذیرش کیش زرتشت، مکتوب شاپور به قصر روم، نامه شاپور به پادشاه ارمنستان و مرزبان‌های ارمنه، نامه اردشیر به پادشاه ارمنستان، نامه مهرنرسی به ساکنان ارمنستان، نامه‌ها و فتح‌نامه‌هایی که فردوسی در «شاهنامه» از متون پهلوی اقتباس کرده است، نامه‌تسار هیربدان هیربدار اردشیر بابکان به گشنسب‌شاه و شاهزاده‌پدش خوارگر (فسایی، ۱۳۸۰: ۲۰۸ و ۲۰۹).

همین‌گونه نامه‌هایی که مورخان و محققان عهد اسلامی، مانند: طبری، ابن قتیبه، ابوالفدای، مسعودی و دیگران در آثار خود یاد می‌کنند که نشان از اهمیت نامه‌نگاری در سرزمین ما دارد. با تأسف متنی برخی از این نامه‌ها در دست نیست و برخی هم نقل به مضمون شده‌اند.

پس از حمله اعراب به خراسان به مدت دو قرن و نیم تا تشکیل دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل در خراسان از نامه‌های دیوانی و حتی اخوانی یادی نمی‌شوند؛ اما با آغاز تشکیل دولت‌های خراسانی تا اوایل قرن پنجم هجری، نامه‌ها به عربی نوشته می‌شدند. نمونه‌هایی آن را در تاریخ عتبی و ترجمه آن، تاریخ یمینی می‌توان دید: نامه نوح بن منصور سامانی به ابوعلی سیمجور در مددخواهی به انشای ابوعلی دامغانی، مکتوب فخرالدوله دیلمی به امیر ناصرالدین سبکتکین، قطعه‌ای از منشوری که از دیوان سلاطین سامانی صادر شده است و عتبی آن را نقل کرده است و قسمتی از نامه فخرالدوله به حسام‌الدوله به انشای صاحب بن عباد که در آن کتاب آمده است.

یادباد آن روز گاران

نامه‌های از و اصف باختری
به حسین فخری

غزنوی» (متوفی ۴۳۰ هـ) که در «تاریخ بیهقی» باقی مانده‌اند، سپس شکست‌نامه مسعود از سلاجقه در نزدیکی مرو به انشای ابوالفضل بیهقی که در تاریخ وی مذکور است، آمده‌اند.

نامه‌های شیخ ابوسعید ابوالخیر (متوفی ۴۴۰ هـ) که در «اسرار التوحید» گردآورده شده‌اند؛ نامه‌های حجت‌الاسلام امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵) به نام «فضائل الانام من رسائل حجت‌الاسلام» که بیشتر آن جواب است به یکی از هم‌عصرانش که می‌توان آن را نمونه‌های خوبی از رسائل اخوانی دانست. این نامه‌ها در قرن پنجم نوشته شده‌اند و پس از مرگ غزالی گردآمده‌اند و نشر شده‌اند.

نامه‌های احمد غزالی (متوفی ۵۲۰ هـ) برادر امام محمد غزالی، نامه‌های فارسی عین‌القضات همدانی از مشایخ بزرگ آغاز قرن ششم هجری (مقتول ۵۲۵ هـ) که بیشتر به قاضی امام سعدالدین بغدادی و خواجه امام عزالدین و امام ضیای الدین و خواجه کامل‌الدوله و الدین نوشته شده‌اند، از این گونه‌اند (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۴۰).

نامه‌نگاری در سخن بزرگان ادبی زبان پارسی چنین آمده است:

سخن نیز نشیند و نامه نخواند
مرا پیش تختش به پایان نشاند

(فردوسی)

در مقاله ماهیت دبیری «چهار مقاله» نظامی عروضی سمرقندی از دو نامه عربی در دوره سامانی به انشای اسکافی دبیر آل سامان یاد شده است. عتبی و جرفادقانی آورده‌اند که در بار محمود غزنوی، دیوان رسائل از عربی به فارسی برگردانیده شد که ابوالعباس اسفراینی صاحب‌دیوان، بانی این کار بود؛ اما در زمان وزارت خواجه احمدحسن میمندی، دیوان از فارسی به عربی برگردانیده شد و در دوره دبیری ایشان نامه‌ها به عربی نوشته می‌شدند. در همین دوره برخی از مراسلات اخوانی و سلطانی به فارسی نوشته شدند که نشان از نامه‌نگاری به شکل عام و گسترده آن دارد. از دوره غزنویان این نامه‌ها به یادند: نامه‌هایی که سلطان محمود غزنوی به خط خود به امراند می‌نوشت، مانند نامه‌وی در مورد پسرش مسعود که در تاریخ بیهقی مندرج است. همین‌طور کلیه نامه‌هایی که در این دوره به دربار خلفای عباسی ارسال می‌شدند که برخی از آن‌ها در تاریخ بیهقی هم آمده‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ۴۹۶).

در دوره پادشاهان سلاجقه نامه‌ها گاهی به پارسی و گاهی به عربی نوشته می‌شدند، در دوره خوارزم‌شاهیان، کاتبان به دیوان رسائل اهمیت زیادی قابل بودند که بیشتر نامه‌ها به پارسی نوشته می‌شدند. پس از این روزگار نامه‌ها به پارسی نوشته می‌شدند. کهن‌ترین نامه به زبان پارسی از عهد اسلامی مربوط به نیمه اول قرن پنجم هجری و دوره زمامداری سلطان مسعود غزنوی است. این نامه‌ها توسط ابونصر مشکان، صاحب دیوان «رسائل محمود و مسعود

نامه نویسد بدیع و نظم کند خوب
تیغ زند نیک و پهنه باز و چوگان

(فرخی)

نامه شاهان عجم پیش خواه
یکره بر خود به تأمل بخوان

(ناصرخسرو)

سینه شد نامه ما تا به حدی
که نبود از سفیدی جای مدی

(وحشی)

چاپ نامه‌های واصف باختری
تجدید خاطرات فراموش شده
است؛ زیرا، بزرگ‌ترین ره‌آورد
تکنولوژی، فراموشی خاطرات
بود که با چاپ این اثر تجدید
خاطراتی دوباره شد. خاطراتی که
با حس دل‌تنگی تاریخی ما هم‌گون
است. امروز وقتی به این نامه‌ها
نگاه می‌کنیم، می‌توانیم با خواندن
آن‌ها زمان، تاریخ و وقوع اتفاقات
مهم را به یاد بیاوریم.

یاد باد آن روزگاران

چاپ نامه‌های واصف باختری تجدید خاطرات فراموش شده است؛ زیرا، بزرگ‌ترین ره‌آورد تکنولوژی، فراموشی خاطرات بود که با چاپ این اثر تجدید خاطراتی دوباره شد. خاطراتی که با حس دل‌تنگی تاریخی ما هم‌گون است. امروز وقتی به این نامه‌ها نگاه می‌کنیم، می‌توانیم با خواندن آن‌ها زمان، تاریخ و وقوع اتفاقات مهم را به یاد بیاوریم. در نتیجه رد اشکی از دل‌تنگی به جوهر پخش شده در روی کاغذ را می‌توان دید و احساس کرد. هرچند نوشتن این نامه‌ها در آن روزگار امری به ظاهر ساده به نظر می‌رسیده است و تنها هدف از نگارش آن جویا شدن از احوال یک‌دیگر بوده است؛ اما امروزه این نامه‌ها خود به صورت پنهان یک حرکت ادبی و خلق ادبی به شمار می‌آیند، به این معنا که ارتباطات مکاتبه‌ای این دو بزرگوار ضمن نگارش نامه‌های ادبی و پرمحتوا، رفته‌رفته اثر ادبی را خلق کرده‌اند. این نامه‌ها ما را به یاد «نامه‌نگاری‌های ادبی»، «نامه‌های جلال آل‌احمد به سیمین دانشور» می‌اندازد.

این اثر «نامه‌های خصوصی و دوستانه» نثر صریح، خلاصه و بی‌ابهام دارد. شروع و پایان این نامه‌ها با کلمات احترام‌آمیز و به دور از چرب‌زبانی آمده‌اند که نشان از دوستانه بودن آن‌ها دارند. این نامه‌ها عاطفی، صمیمی و بی‌تکلف‌اند و حرف‌های خصوصی در آن‌ها ضمن بحث‌های ادبی و گاهی سیاسی-اجتماعی مطرح شده‌اند. زبان این نامه‌ها شکسته و محاوره‌ای نیست؛ بلکه ادیبانه و فاخر نوشته شده است. این نامه‌ها با اهداف و مقاصد گوناگونی نوشته شده‌اند. گاه قصد نویسنده اطلاع‌رسانی است، گاه یادآوری خاطرات گذشته است و گاهی مخاطب را به انجام کاری دعوت کرده است و برخی از نامه‌ها فقط برای حفظ و استمرار ارتباط با مخاطب نوشته شده‌اند. در این اثر هستند نامه‌هایی که برای بیان مطالب سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و یا ادبی به کار گرفته شده‌اند.

این نامه‌ها آینه تمام‌نمای شخصیت، دانش، فرهنگ، ذوق و اندیشه ادبی نویسنده‌اند. ویژگی‌های مهم این نامه‌ها زبان رسمی نوشتاری امروز و جمله‌های کوتاه و ساده‌اند که در آن‌ها از به کار بردن جمله‌ها و عبارات قالبی که در گذشته در نامه‌ها متداول بوده‌اند، پرهیز شده است. فقر فروشی، تکلف، عبارت‌پردازی و لفاظی و به کار بردن صنعت و آرایه ادبی نامناسب در این نامه‌ها کم دیده می‌شوند. جمله‌های نامه کامل و دارای فعلند و از حذف بی‌قرینه فعل‌ها خودداری شده است.

گاهی در این نامه‌ها مطالب خصوصی، مسائل خانوادگی، اخبار خویشاوندان از قبیل ذکر مسافرت‌ها، تولد، وفات و سرانجام تمام وقایع خانوادگی و روابط دوستان و بستگان، رد و بدل شده‌اند. با این‌که نامه‌ها بیشتر شخصی‌اند؛ اما خشک و رسمی نیستند؛ زیرا از هرگونه تعارف و تکلف و خودنمایی به دورند. تلاش شده است ساده و پاکیزه باشند. کلیشه‌نویسی، درازنویسی، بیهوده‌نویسی و در یک کلام «شلخته‌نگاری» در این نامه‌ها دیده نمی‌شوند.

ارزش ادبی نامه‌ها

این نامه‌ها گاهی با نثری مسجع، آهنگین و ادبی آغاز شده‌اند. سراسر نامه‌ها پر هستند از ظرایف و نکات ادبی و گاهی بیت‌هایی را نیز نویسنده چاشنی کلام خود ساخته است که بر ارزش ادبی این نامه‌ها می‌افزیند. نکته مهم بعدی، استفاده درست، به‌جا و طبیعی از قابلیت‌های زبان پارسی

در این نامه‌ها نیست. منظور از این قابلیت‌ها به هیچ وجه صنایع لفظی نیست؛ بلکه نزدیک بودن آن به نوع سالم زبان گفتاری است. البته زبان گفتاری را نباید با زبان محاوره‌ای و شکسته‌گویی اشتباه کرد. نثر سالم گفتاری نوشته‌ای است با ساختار منطقی و طبیعی زبان که از نیاکان‌مان به یادگار مانده است. ارزش اصلی ادبی این نامه‌ها پرهیز از درازنویسی، تکرارهای بیهوده عریضه‌نویسی و الگو برداری‌های ساده‌لوحانه و اصطلاحات «من درآوردی» رایج در ادبیات تصنعی رسانه‌های همگانی امروز است که در این نامه‌ها وجود ندارند و می‌توانند الگوی خوبی برای نامه‌نگاری امروز ما به حساب آیند. خوبی این نامه‌ها در این است که انواع تکنیک‌های شکسته نفسی و ابراز مراتب عبودیت و جان‌نثاری در آن نیستند و نویسنده با هزار کرشمه قلم «صنعت» به کار نبرده است و با الفاظ ثقیل عبارت‌پردازی نکرده است. تکلف و مطمئن‌نویسی را با نوشتن با زبان فاخر ادبی و خط‌شکسته نستعلیق با خودکار کنار گذاشته است.

باری، این نامه‌ها از نظر ادبی، تاریخی، اجتماعی

واصف باختری این نامه‌ها را به قصد آفرینش آثار ادبی و نشان دادن قدرت نگارش خود نوشته است. او به شیوهٔ اخوانیات زبان پارسی با حسین فخری نامه‌نگاری کرده است؛ اما نامه‌هایش هم برای اهالی ادبیات و هم برای تاریخ‌نگاران معاصر از اهمیت بالایی برخوردارند.

فارسی، اعم از شعر و نثر است. او باید انسان بسیار پرمطالعه و خوش حافظه باشد که نامه‌هایش را با غنای نثر ادبی که با استشهادات شعری و صنایع ظریفه آراسته شده‌اند، آورده است. این وارستگی نشان از کمال او در ادبیات پارسی دارد. چنین است که نثر ایشان، برخلاف آثار اسلاف وی که پر از جمله‌ها و عبارات‌های طولانی و قرینه‌سازی‌های مکرر و سجع‌های خسته‌کننده است، از جمله‌های کوتاه، ترکیب شده و قرینه‌های به ندرت تکرار شده، استفاده شده است. ایشان گاهی تلمیحات، اشارات و اشعار عربی و ضرب‌المثل‌های عربی و پارسی را در نامه‌هایش می‌آورد و گاهی نامه‌اش ساده است و فقط از اشعار پارسی استفاده می‌کند. از این رو، اهمیت این نامه‌ها و کتاب، فراتر از بحث در سیر ترسل و فن نامه‌نگاری است.

بنابراین، ویژگی این نامه‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. خالی بودن از واژه‌های بیگانه که با تأسف این روزها تبدیل به مد ادبی ما شده است؛
۲. استفاده از سجع و ترصیع و موازنه به حد متعادل که نثر باختری را خواندنی و زیبا کرده‌اند؛
۳. پرهیز از زبان عامیانه و نوشتن به زبان فاخر ادبی و امروزی؛
۴. استفاده از شعر و نمونه‌های نثرکهن پارسی به طرز بسیار استادانه و در جای خود که باعث جلالت نثر او شده‌اند؛
۵. استفاده از اشعار و ضرب‌المثل‌ها که به زیبایی نوشتار افزوده‌اند.

نتیجه‌گیری

نامه‌نگاری از کهن‌ترین فنون نگارش در زبان پارسی است که هم به نثر و هم به نظم، و گاه در آمیخته‌ای از نظم و نثر، در تاریخ زبان پارسی دیده شده است. ترسل در زبان پارسی پیشینه‌ای دیرینه دارد که رد پای آن به دوران آغاز خط اندیشه‌نگار و نامه‌نگاری اداری برمی‌گردد. قدیم‌ترین اثری که به زبان پهلوی در فن ترسل به دست آمده است، رسالهٔ کوچک «آیین نامه‌نویسی» است و نامهٔ تنسر مهم‌ترین متن بازمانده از دوران اردشیر ساسانی است. کاتبان درباری ایران به شیوهٔ ترسل اقبال درخور توجهی نشان می‌دادند. این ترسلات تا سال ۷۸ هجری به زبان پهلوی و پس از آن ابتدا به زبان عربی سپس کم‌کم به زبان فارسی بوده است (رمضانی، علی، پیشینهٔ ترسل و نامه‌نگاری در ایران از آغاز تا قرن ششم هجری).

در این نوشته به روش توصیفی، با تفکیک دوره‌ها و ذکر نام دبیران مشهور هر دوره به پیشینهٔ نامه‌نگاری در ایران، از دوران پیش از اسلام تا آغاز قرن ششم پرداخته شده است.

یاد باد آن روزگاران؛ که مجموعه نامه‌های واصف باختری به حسین فخری است، از لحاظ ویژگی‌های ادبی و تاریخی دارای اهمیت فراوان است. ایشان در خلال نگارش نامه‌هایش به بسیاری از ناگفته‌های تاریخ سیاسی و ادبی ما اشاره کرده است. کتاب او علاوه بر ارزش تاریخی و ادبی، از لحاظ انگیزهٔ کتابت، لحن و موضوع نامه بخشی از فرهنگ افغانستان را نیز بیان کرده است.

منابع

- شیرازی، دیوان‌بینگی، سیداحمد، حدیقه‌الشعراء، تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: زرین، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- انوری، دکتر حسین، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، ۱۳۸۱.
- انوشه، حسن، دانشنامهٔ ادب فارسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
- دانش‌پژوه، منوچهر، سیرنامه‌نگاری در ادبیات فارسی، بی‌جا: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.
- رستگار فسائی، دکتر منصور، انواع نثر فارسی، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
- ناطق، هما، ایران در راهبایی فرهنگی (۱۸۴۸-۱۸۳۴)، چاپ خاوران، پاریس، مارس ۱۹۹۰.
- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، انتشارات زوار، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.
- لسان‌الملک سیهر، میرزا محمدتقی، ناسخ‌التواریخ، به اهتمام جهانگیر قائم‌مقامی، تهران، ۱۳۳۷.
- زرین‌کوب، دکتر عبدالحسین، از گذشتهٔ ادبی ایران، انتشارات الهدی، چاپ اول ۱۳۷۵.
- فراهانی، قائم‌مقام، منشآت، انتشارات آپادانا، بی‌تا، بخش اشعار.
- آرزین‌پور، حبیبی، از صبا تا نیما، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ اول، ۱۳۵۰.
- شمیسا، دکتر سیروس، سبک‌شناسی نثر، نشر میترا، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.
- بهار، ملک‌الشعراء، سبک‌شناسی، امیر کبیر، ۱۳۶۵.
- فراهانی، قائم‌مقام، منشآت، به کوشش سیدبدرالدین یغمایی، تهران، ۱۳۶۶.

و سیاسی، ارزش و اهمیت به‌سزایی دارند. پرداختن به آن‌ها در تحقیقات تاریخی و پژوهش‌های ادبی ضروری به‌نظر می‌رسد. با مطالعه و بررسی نامه‌ها به نکات و دقائق دستوری، لغوی، چگونگی استعمال صنایع ادبی و دیگر ویژگی‌های سبک‌شناسی می‌توان دست یافت. همین‌طور می‌توان از سبک نگارش نامه‌های خصوصی (اخوانیات) در پسین روزگار نامه‌نگاری‌مان آگاه شد و در بررسی سیر تطور و تحول نثر فارسی در افغانستان معاصر اطلاعات ذی‌قیمتی کسب کرد. در طرف دیگر، این نامه‌ها منبع بسیار مهم و ارزشمند و اسناد معتبری‌اند که در کشف حقایق تاریخی، ادبی و ریشه‌یابی بسیاری از وقایع، راه‌گشا برای تاریخ‌نگاران و اهل تحقیق خواهند بود. در این نامه‌ها به حوادث، شخصیت‌های تاریخی و ادبی اشاره شده‌اند که ذکری از آن حوادث و افراد در کتاب‌های تاریخی و تاریخ ادبیات معاصر ثبت و ضبط نشده است. این نامه‌ها در شناخت بیشتر نویسنده و روزگار او و همین‌طور تجزیه و تحلیل شخصیت‌های تاریخی و ادبی و روشن‌شدن واقعیت‌های تاریخی نقش مؤثری می‌تواند داشته باشد.

واصف باختری این نامه‌ها را به قصد آفرینش آثار ادبی و نشان دادن قدرت نگارش خود نوشته است. او به شیوهٔ اخوانیات زبان پارسی با حسین فخری نامه‌نگاری کرده است؛ اما نامه‌هایش هم برای اهالی ادبیات و هم برای تاریخ‌نگاران معاصر از اهمیت بالایی برخوردارند. این نامه‌ها نشان می‌دهند که باختری مردی دانشور و واقف به آثار ادبی کلاسیک